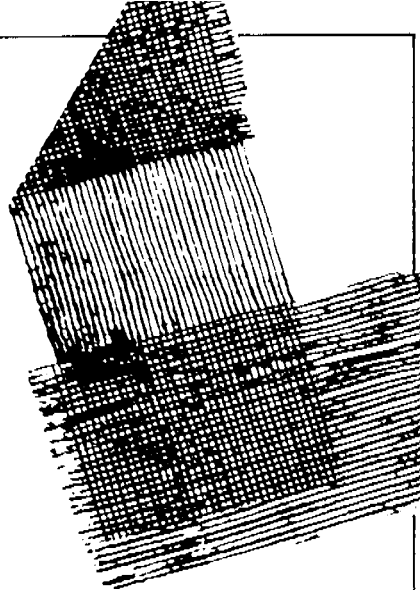


روشهای

پرورش احساسی مسؤولیت

در کودکان



آموزش مسؤولیت، نفیس‌ترین هدیه‌ای است که می‌توانیم به فرزندانمان ارزانی داریم. چنین آموزشی آنان را قادر می‌سازد که از خویشن مراقبت کنند و در آینده به عنوان بزرگسالانی مسؤول، وظایف خویش را به عهده بگیرند. آموزش مسؤولیت‌پذیری به کودکان، نیازمند جوی خاص در خانه و مدرسه است. چنین جوی اطلاعات و منابعی را برای کودکان فراهم می‌کند تا بتوانند در شرایط و موقعیتهای مختلف تصمیمات صحیحی اتخاذ کنند.

مسؤولیت چیست؟

موفقیت و آسایش خاطر وی شود. پاسخ مؤثر، پاسخی است که کودک را قادر کند تا به هدفهایی که باعث تقویت عزت نفسش می‌شوند، دست یابد. مثلاً هنگامی که کودکی می‌خواهد به ملاقات دوستش برود، باید از حیث اجازه والدینش مطمئن شود. اگر او بدون مباحثه و به نحوی صادقانه از آنان خواهش کند،

واژه مسؤولیت از نظر لغوی به معنی توانایی پاسخ دادن، و در عرف به مفهوم تصمیم‌گیریهای مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم‌گیری مناسب، آن است که کودک در چهارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی،

مناسب و با توجه به سن و قدرت درک کودک است.

آموزش مسؤولیت را می‌توان از سنین اولیه دوران کودکی آغاز کرد. حس مسؤولیت‌پذیری وقتی پرورش می‌یابد که در اموری که بر کودکان تأثیر می‌گذارد، به آنان اجازه دهیم عقیده‌شان را بیان کنند و هر جا که لازم می‌بینیم، بگذاریم انتخاب کنند. در اینجا باید بین حق بیان و حق انتخاب تفاوتی سنجیده قائل شد. بعضی امور در قلمرو مسؤولیت کودک قرار دارند و در چنین مواردی است که باید اجازه بدهیم کودک خودش انتخاب کند. برخی از مسائل نیز در آسایش و رفاه کودک مؤثر هستند و این امور به طور اختصاصی در حیطه مسؤولیت ما قرار دارند. در چنین مواقعی باید بگذاریم کودک نظرش را بیان کند، اما انتخاب را ما برای او انجام می‌دهیم - در ضمن اینکه به او کمک می‌کنیم تا این مورد اجتناب‌ناپذیر را بپذیرد. به عنوان مثال در خرید لباس برای کودکان، این مسؤولیت ماست که تصمیم بگیریم آنها چه نوع لباسی را نیاز دارند و بر عهده ماست که بودجه آن را تأمین کنیم. در فروشگاه، ما چند نمونه لباس را انتخاب می‌کنیم که همه این نمونه‌ها از نظر جنس و قیمت مورد قبول ما هستند و کودک یکی از این چند نمونه لباس را که ترجیح می‌دهد بپوشد، انتخاب خواهد کرد.

یک نکته مهم اینکه آموزش "مسؤول بودن"، به معنی آموزش "گناهکار بودن" نیست. کودکانی که احساس مسؤولیت می‌کنند، به ابزار، نگرشها و منابعی که برای ارزیابی مؤثر واقعیتها نیاز دارند، مجهز هستند و به انتخابهایی دست می‌زنند که برای خود و اطرافیانشان مناسب است. کودکانی که

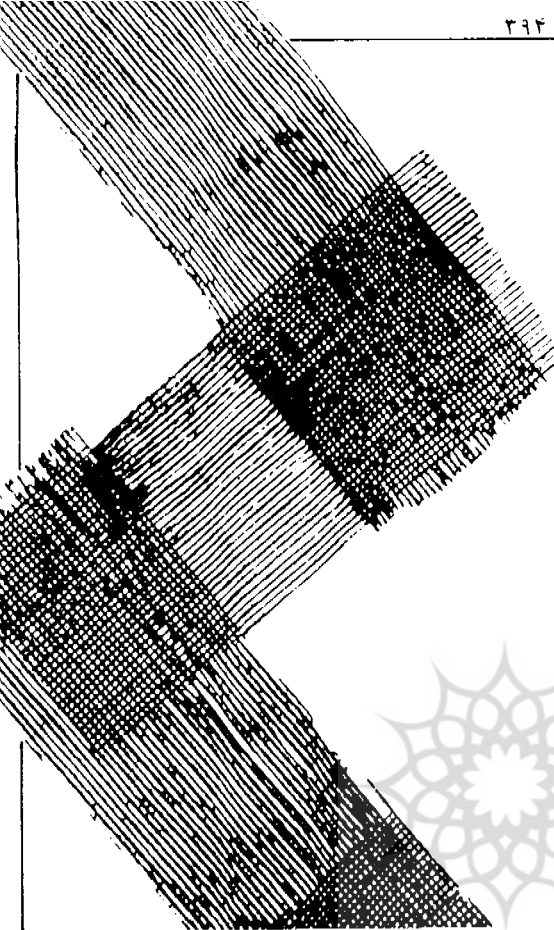
بسیار احتمال دارد که پاسخی مثبت دریافت کند.

کودک زمانی فردی مسؤول به شمار می‌آید که با در نظر گرفتن هدفهای خویش و نیازهای دیگران عمل نماید. والدین می‌توانند به کودک کمک کنند تا در این مورد به توازن برسد. به این نحو که او را یاری کنند تا به ارزشهای شخصی خویش بیندیشد و مسائل را با در نظر گرفتن احساسات خود حل نماید. کمک‌رسانی والدین می‌بایست مختصر و در عین حال توأم با همدردی باشد. به جای اینکه برای کودک سخنرانی کنیم، بیشتر بایستی گوش بدهیم. به عبارت دیگر ما جاده را نشان می‌دهیم و منتظر می‌شویم که مسافر با نیرو و توانایی خودش آن را طی کند و به مقصد برسد.

کودکی که از حس مسؤولیت برخوردار است به موفقیت‌های روزافزون و پاداشهای ناشی از آن دست خواهد یافت. کودکی که غیر مسؤولانه عمل می‌کند، با تنبیه و انتفادی بیش از آنچه سزاوار اوست، مواجه می‌شود و در نتیجه عزت نفسش کاهش خواهد یافت. او نه تنها نسبت به واکنشهای خویش و نحوه واکنش دیگران، نامطمئن می‌شود، بلکه نسبت به زندگی نیز نگرشی منفی پیدا می‌کند.

مسؤولیت: حق بیان و حق انتخاب

کودکان با احساس مسؤولیت ذاتی به دنیا نمی‌آیند و در یک دوره سنی معین نیز آن را خودبه خود کسب نمی‌کنند. احساس مسؤولیت، بتدریج و پس از سالهای طولانی به دست می‌آید و این مستلزم اجرای روزانه تمرین قضاوت و انتخاب، در موقعیت‌های



بالایی برخوردار باشند.

رابطه میان تصمیم‌گیری و مسؤولیت

کودکان هر روز تصمیمات بسیاری می‌گیرند. یکی از ملاکهای رشد، آگاه شدن آنان از این تصمیمات و طریقه تصمیم‌گیریهایشان است. اگر والدین و معلمان راههایی را که کودکان در تصمیم‌گیریهای خویش طی می‌کنند، و پیامدهای تصمیمات درست را به ایشان خاطر نشان سازند، در افزایش مهارتهای تصمیم‌گیری درست، به آنان کمک می‌کنند.

محرکشان احساس گناه است، ممکن است ظاهراً به نظر برسد که افرادی مسؤول هستند، لیکن در واقع، ملاک خاصی برای انتخابهایشان دارند. آنان می‌خواهند که از تنبیه یا درد در امان بمانند، قدرت تحمل مخالفت یا انتقاد را ندارند و تا حد افراط نیازمند تأیید بزرگترها هستند.

نکته دیگر این است که احساس مسؤولیتی که بر پایه ارزشهای مثبت استوار نشده باشد، می‌تواند ضد اجتماعی و ویرانگر باشد. برای مثال، افراد بزهکار و لوطی‌های محله نیز ممکن است در رابطه با یکدیگر و دار و دسته‌شان بسیار وظیفه‌شناس بوده، از احساس مسؤولیت

به سبب رابطه‌ای که بین تصمیم‌گیری و مسؤلیت وجود دارد، شک نیست که مردد و بی‌تصمیم بودن، یک راه بی‌مسؤلیت بودن است. زیرا هنگامی که لازم است انتخابی صورت گیرد و شخص در این کار تردید می‌کند، تردید او سایرین را ناگزیر می‌کند که مسؤلیت انتخاب کردن را بر عهده بگیرند. زمانی که کودکان مردد هستند، اغلب با مهارت، والدین خویش را وادار می‌کنند که برای ایشان تصمیم بگیرند. این امر در کودکان خردسال که هنوز فاقد اطلاعات و تجربه لازم هستند، نه غیرعادی است و نه ناشایست. آنان می‌ترسند که مبدا تصمیم نادرستی بگیرند و پیامدهای آن دامنگیرشان شود. وجود الگوی بی‌تصمیمی مبین آن است که کودک در حال تکامل حس مسؤلیت خویش نیست.



نقش والدین

والدین غیرمسئول نمی‌توانند مسؤلیت - پذیری را به کودکان خویش بیاموزند. والدینی که دیگران را مسبب مشکلات خویش می‌دانند، متزلزلند، فراموشکارند، بازبچه

دیگران قرار می‌گیرند و از سایرین می‌خواهند که به جای ایشان تصمیم بگیرند، برای کودکان خویش الگوی بی‌مسؤلیتی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر به هیچ روی نمی‌توان مسؤلیت را به کودکانی که والدینشان غیرمسئولانه عمل می‌کنند، آموخت.

کودکان، زمان بسیاری را برای مشاهده رفتار والدین و الگوبرداری از آن صرف می‌کنند. هنگامی که والدین، با اشتیاق، تعهد و قاطعیت معقولی به وظایف خویش روی می‌آورند، کودکان تمایل پیدامی‌کنند که خود را با این جنبه از منش آنان وفق دهند. الگوی مسؤلیت پذیری، زمانی برای والدین اهمیتی ویژه پیدا می‌کند که آنان مستقیماً با کودکان رویارو می‌شوند، زیرا کودکان در این واکنشهای متقابل نکات بسیاری را در مورد مسؤلیت فرا می‌گیرند.

کودکان با مشاهده طرز رفتار پدر و مادر با یکدیگر، مسؤلیت‌پذیری را می‌آموزند. چنانچه والدین در قبال هم احساس مسؤلیت کنند و روشی آزادانه، صادقانه و صریح در خانواده حکمفرما باشد، فرزندان آنها نیز بسیار آسانتر عهده‌دار مسؤلیت می‌شوند. کودکانی که مشاهده می‌کنند والدینشان تعارضها را به شیوه‌ای مسالمت آمیز حل می‌کنند، همان رفتار را الگوی خویش قرار می‌دهند.

اگر انتظارات والدین از کودکان، قاطع و صریح باشد، پیوسته برحسب نتایج رفتار آنان عکس‌العمل نشان دهند، رفتار شایسته‌شان را باپاداش تقویت کنند و به وعده‌های خویش وفا نمایند، کودکان معتقد خواهند شد که مسؤلیت‌پذیر بودن، فضیلتی محسوب می‌شود.

پاسخهایی که روحیهٔ مسؤولیت پذیری و استقلال به کودک می بخشد

در پایان به ذکر صفات و خصوصیات کودکدانی می پردازیم که مسؤول محسوب می شوند:

- وظایف مقرر خویش را، بی آنکه نیازی به یادآوری داشته باشند، انجام می دهند.

- برای هرچه که انجام می دهند، می توانند دلایلی را معین نمایند.

- سایرین را در حد افراط، مقصر قلمداد نمی کنند.

- می توانند از بین راههای مختلف، راهی را برگزینند.

- می توانند به تنهایی به کار و بازی پردازند؛ بی آنکه خود را زیاد ناراحت کنند.

- می توانند تصمیماتی بگیرند که با تصمیمات سایر افراد گروهشان (دوستان، همسالان، خانواده و غیره) متفاوت باشد.

- بدون جر و بحث زیاد، به محدودیتهایی که والدین برایشان قائل می شوند، احترام می گذارند و آنها را رعایت می کنند.

- هدفها و علایق گوناگونی دارند که برایشان جالب توجه هستند.

- آنچه را که متعهد انجامش می شوند، به پایان می رسانند.

- بدون دلیل تراشی افراطی به اشتباهات خویش اعتراف می کنند.

منابع :

- ۱- گینات. جی. رابطهٔ بین والدین و کودکدان. ترجمهٔ سیاوش سرتیپی. تهران. انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۸
- ۲- ماسن و همکاران. رشد و شخصیت کودک. ترجمهٔ مهشید یاسایی. تهران. نشر مرکز.

یک پدر یا مادر خوب، همچون یک معلم خوب، کسی است که به طور روزافزونی به کودک توجه می کند و خود را وقف کودک می سازد. این قبیل والدین رضایت خاطر خود را در روابطی می بینند که سبب می شود کودکان دست به انتخاب بزنند و از نیرو و توان خودشان استفاده بکنند. ما می توانیم در گفت و گوهای خود با کودکان، با آگاهی کامل جملاتی را به کار ببریم که نشان دهند ما به توانایی آنان در اتخاذ عاقلانهٔ تصمیماتشان اعتقاد داریم. بنابراین، هنگامی که پاسخ ذهنی مابه درخواست کودک "آری" است، می توانیم این مفهوم را با جملاتی نشان دهیم که برای پرورش حس استقلال کودک طرح شده اند. در زیر چند نمونه برای پاسخ مثبت دادن آورده شده است:

اگر دلت می خواهد.
اگر واقعاً همان چیزی است که دوست داری.

تو خودت دربارهٔ آن تصمیم بگیر.
بستگی به خودت دارد.
انتخاست کاملاً با توست.

هر طور صلاح می دانی عمل کن.
هر تصمیمی که بگیری، من هم آن را قبول دارم.

پاسخ صرفاً "آری" ما شاید مایهٔ دلخوشی کودک بشود، اما جملات دیگر باعث می شوند که کودک از اینکه خودش تصمیم می گیرد رضایت خاطر یابد و از اعتقاد و ایمانی که ما به او داریم، لذت ببرد.

انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات

"نشریه پیوند"

پیوندمان را با "نشریه پیوند" بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان مجرب کشور است.

پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیۀ مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.

برای اینکه هرماه پیوند تقدیم حضورتان شود، لطفاً فرم اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

فرم اشتراک مجله آموزشی - تربیتی پیوند



انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران

شغل:

میزان تحصیلات:

نام و نام خانوادگی:

لطفاً نشانی خود را به طور کامل و بدون غلط یا ذکر شماره پلاک و کدپستی مرقوم دارید.

استان: شهر: خیابان:

کدپستی: تلفن: آیا قبلاً مشترک بوده اید؟

به چه نام و نشانی: شماره اشتراک:

لطفاً مبلغ ۶۵۰۰ ریال برای اشتراک یک ساله، به حساب جاری شماره ۸۰۴ بانک صادرات، شعبه ۱۰۴۳ خیابان فلسطین، واریز فرمایید و اصل فیش را همراه با این برگ به نشانی تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، نبش سزاوار، شماره ۷۴، دفتر نشریه پیوند و یا صندوق پستی ۱۶۳۷ - ۱۳۱۸۵ ارسال کنید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۰۷۱۱۶ - ۶۴۶۸۷۷۰

*در صورت تغییر نشانی، سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

*لطفاً فتوکپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک یک ساله نزد خود نگاه دارید.

